بسم الله الرحمن الرحيم

دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی ، گروه الهیات

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد (M.A)

گرایش : فلسفه–غرب

موضوع :

اگزیستانسیالیسم به روایت

سیمون دوبووار

استاد راهنما :

سرکار خانم دکتر مریم ثقفی

استاد مشاور :

جناب آقای دکتر صمد موحد دیلمانی

پژوهشگر :

مهدیس حقی

زمستان ۱۳۹۰

باسپاس فراوان از اساتید گران قدر

سرکار خانم دکتر ثقفی استاد راهنما و جناب آقای دکتر صمد موحد استاد مشاور

که بی شک بدون کمک های دریغ ایشان، این پایان نامه ناانگاشته باقی می ماند.

جُستن

یافتن

و آن گاه

به اختیار برگزیدن

و از خویشتن خویش

بارویی پی افکندن

احمد شاملو

بسمه تعالی

تعهد نامه اصالت پایان نامه کارشناسی ارشد

اینجانب مهدیس حقی دانشجوی کارشناسی ارشد رشته فلسفه-غرب باشماره دانشجویی ۸۷۰۰۰۱۵۹۱۰۰ اعلام می نمایم که کلیه مطالب مندرج در این پایان نامه با عنوان: . اگزیستانسیالیست به روایت سیمون دوبووار .حاصل کار پژوهشی خود بوده و چنانچه دستاوردهای پژوهشی دیگران را مورد استفاده قرار داده باشم ، طبق ضوابط و رویه های جاری ، آنرا ارجاع داده و در فهرست منابع و مآخذ ذکر نموده ام . علاوه بر آن تاکید می نماید که این پایان نامه قبلاً برای احراز هیچ مدرک هم سطح ، پایین تر یا بالاتر ارائه نشده و چنانچه درهر زمان خلاف آن ثابت شود ، بدینوسیله متعهد می شوم ، در صورت ابطال مدرک تحصیلی ام توسط دانشگاه ، بدون کوچکترین اعتراض آنرا بپذیرم .

تاریخ و امضاء

بسمه تعالی

در تاریخ :

دانشجوی کارشناسی ارشد آقای /خانم مهدیس حقی از پایان نامه خود دفاع نموده و با نمره

بحروف و با درجه مورد تصویب قرار گرفت .

امضاء استاد راهنما

آزاد اسلامی – واحد تهران مرکزی
دانشکده روانشناسی و علوم اجتماعی
××
(این چکیده بمنظور چاپ در پژوهش نامه دانشگاه تهیه شده است)
دانشگاه آزاد اسلامی – واحد تهران مرکزی

نام واحد دانشگاهی: تهران مرکزی کد: ۱۰۱	**کد شناسایی پایان‌نامه : ۱۰۱۲۱۰۰۲۸۹۱۰۰۲**
عنوان پایان نامه : اگزیستانسیالیست به روایت سیمون دوبووار	
نام ونام خانوادگی دانشجو: مهدیس حقی **شماره دانشجویی: ۸۷۰۰۰۱۵۹۱۰۰** **رشته تحصیلی: فلسفه غرب**	**تاریخ شروع پایان نامه: ۱۳۸۹/۳/۲۵** **تاریخ اتمام پایان نامه: ۱۳۹۰/۱۱/۳۰**
استاد /استادان راهنما:دکتر مریم ثقفی **استاد/استادان مشاور: دکتر صمد موحد دیلمانی**	
آدرس: تهران–خیابان منتظری–کوچه فارابی–پلاک ۲۰ تلفن:۰۹۱۸۳۵۱۵۴۸۱	

چکیده پایان نامه (شامل خلاصه، اهداف، روش های اجرا و نتایج به دست آمده):

آیا سیمون دوبووار فیلسوفی اگزیستانسیالیست است؟ در واقع، اغلب این اولین پرسشی است که همواره در مواجهه با نام دوبووار در حوزه‌ی فلسفه مطرح می‌شود. سیمون دو بووار که از متفکران به‌نام عصر حاضر(سده‌ی بیستم) است، به‌علت ارتباط دوستانه و نزدیکی که با سارتر داشت اغلب، البته تنها در حوزه‌ی فلسفه، تحت‌الشعاع نام سارتر قرار گرفته است. اما برای پاسخ به پرسشی که در بدو امر مطرح شد، ابتدا باید به تعریفی جامع از فلسفه‌ی اگزیستانسیالیسم دست یابیم. مکتب منحصر به فرد اگزیستانسیالیسم در حوزه‌ی فلسفه مخالف با ایجاد نظام‌های عقلی عظیم است. تعریفی که به‌طور کلی می‌توان از اگزیستانسیالیسم به‌دست داد این است: مکتبی برای تحلیل انسان و احوال او، نه در مقام ابژه‌ای علمی که در بستر جامعه و دیگر انسان‌ها. اگزیستانسیالیسم انسان را سوژه می‌پندارد، نه یک ابژه‌ی محض علمی. از این روست که اگزیستانسیالیست‌ها به ادبیات در مقام ابزاری برای انتقال مفاهیم مورد نظرشان روی می‌آورند. سیمون دوبووار که خود ادیبی برجسته است، در آثارش به ارائه‌ی مسائل اگزیستانسیالیستی پرداخته است. وی همچنین در مقام یکی از بزرگ‌ترین متفکران فمینیسم در قرن بیستم، تلفیقی میان فمینیسم و مسائل اگزیستانسیالیستی مطرح کرده که ماحصل آن فمینیسم اگزیستانسیالیستی وی است. هرچند که نام وی تحت‌الشعاع نام سارتر قرار گرفته است، به‌نظر می‌رسد که اتفاقاً این سارتر است که در برخی موارد، از جمله وجود دیگران، وام‌دار اوست. بنابراین می‌توان پاسخی برای آن پرسش ابتدایی ارائه داد: آری سیمون دوبووار فیلسوفی اگزیستانسیالیست است.

نظر استاد راهنما برای چاپ درپژوهش نامه دانشگاه ☐ **مناسب است** ☐ **مناسب نیست** **تاریخ وامضا:**

فهرست مطالب

چکیده ۱

مقدمه ۲

فصل اول کلیات تحقیق و روش آن ۹

۱-۱ اهداف پژوهش : ۱۰

۱-۲ پیشینه تحقیق ۱۰

۱-۳فرضیه تحقیق و سوالات پیرامون آن: ۱۱

۱-٤روش کار و تحقیق ۱۲

۱-۵ تعریف واژه ها و اصطلاحات : ۱۲

۱-٦ مشکلات و تنگناهای تحقیق ۱٤

فصل دوم بیوگرافی ۱۵

سیمون دوبووار به فرانسوی : Simone De Beauvoir ۱٦

فصل سوم اگزیستانسیالیسم ٦۵

۳- کلیاتی در باب اگزیستانسیالیسم ٦٦

۳-۱دقدمت در فلسفه وجود ٦۷

۳-۲-آراء و عقاید فلاسفه اگزیستانسیالیست ٦۹

۳-۳- اگزیستانسیالیسم ۷۱

۳-٤-نخستین نماینده تصریحی اگزیستانسیالیسم ۷۳

۳-۵-تعریف فلسفه از دیدگاه متفکرین اگزیستانسیالیسم ۷٦
۳-٦- جریان های فکری ا گزیستانسیالیسم ۸۲
۳-۷-تقسیم بندی اگزیستانسیالیسم از نگاه سارتر ۸۵
۳-۸-معرفی نمایندگان اگزیستانسیالیسم و بیان اجمالی آرای آنها ۸٦
۳-۹-مسائل مورد وفاق فلاسفه اگزیستانسیالیسم ۸۷
۳-۹-۱- مسائل«فرد آدمی ۸۷
۳-۹-۲- درون ماندگاری ۹۰
۳-۹-۳-گزاف بودن جهان ۹۲
۳-۹-٤-آزادی و گزینش آدمی ۹۳
۳-۹-۵- اوضاع و احوال استثنایی ۹۹
۳-۹-٦-انتقال پیام خود با دیگران ۱۰۲
فصل چهارم : اگزیستانسیالیسم دوبووار ۱۰۹
٤-۱- اندیشه‌های اگزیستانسیالیستی دوبوار ۱۱۰
٤-۱-۱- آزادی ۱۱۱
٤-۱-۱-۱- موقعیت و واقع‌بودگی ۱۱۳
٤-۱-۱-۲- استعلا ۱۱۳
٤-۱-۲- دیگران ۱۱٤
٤-۱-۲-۱- رابطه‌ی متقابل ۱۱۵
٤-۱-۳- اخلاق ۱۱۷

٤-١-٣-١- اخلاق مسئولیت و اخلاق ابهام ۱۱۸

٤-٢- مقایسه‌ای میان اگزیستانسیالیسم دوبووار با سارتر و کامو ۱۲۱

٤-٢-١- اگزیستانسیالیسم دوبووار و سارتر ۱۲۲

٤-٢-٢- اگزیستانسیالیسم دوبووار و کامو ۱۲۵

٤-٣- اگزیستانسیالیسم دوبووار در آثار ادبی او ۱۲۸

٤-٣-١- *همه می‌میرند* ۱۲۹

٤-٣-٢- *میهمان* ۱۳۶

٤-٤- اگزیستانسیالیسم دوبووار و فمینیسم ۱٤۱

٤-٤-١- فمینیسم دوبوار ۱٤٤

٤-٤-٢- ارتباط فمینیسم با اگزیستانسیالیسم در اندیشه‌ی دوبوار ۱۵۵

نتیجه گیری ۱٦٦

ارجاعات ۱۷۸

چکیده

آیا سیمون دوبووار فیلسوفی اگزیستانسیالیست است؟ در واقع، اغلب این اولین پرسشی است که همواره در مواجهه با نام دوبووار در حوزه‌ی فلسفه مطرح می‌شود. سیمون دو بووار که از متفکران به‌نام عصر حاضر(سده‌ی بیستم) است، به‌علت ارتباط دوستانه و نزدیکی که با سارتر داشت اغلب، البته تنها در حوزه‌ی فلسفه، تحت‌الشعاع نام سارتر قرار گرفته است. اما برای پاسخ به پرسشی که در بدو امر مطرح شد، ابتدا باید به تعریفی جامع از فلسفه‌ی اگزیستانسیالیسم دست یابیم. مکتب منحصر به فرد اگزیستانسیالیسم در حوزه‌ی فلسفه مخالف با ایجاد نظام‌های عقلی عظیم است. تعریفی که به‌طور کلی می‌توان از اگزیستانسیالیسم به‌دست داد این است: مکتبی برای تحلیل انسان و احوال او، نه در مقام ابژه‌ای علمی که در بستر جامعه و دیگر انسان‌ها. اگزیستانسیالیسم انسان را سوژه می‌پندارد، نه یک ابژه‌ی محض علمی. از این روست که اگزیستانسیالیست‌ها به ادبیات در مقام ابزاری برای انتقال مفاهیم مورد نظرشان روی می‌آورند. سیمون دوبووار که خود ادیبی برجسته است، در آثارش به ارائه‌ی مسائل اگزیستانسیالیستی پرداخته است. وی همچنین در مقام یکی از بزرگ‌ترین متفکران فمینیسم در قرن بیستم، تلفیقی میان فمینیسم و مسائل اگزیستانسیالیستی مطرح کرده که ماحصل آن فمینیسم اگزیستانسیالیستی وی است. هرچند که نام وی تحت‌الشعاع نام سارتر قرار گرفته است، به‌نظر می‌رسد که اتفاقاً این سارتر است که در برخی موارد، از جمله وجود دیگران، وام‌دار اوست. بنابراین می‌توان پاسخی برای آن پرسش ابتدایی ارائه داد: آری سیمون دوبووار فیلسوفی اگزیستانسیالیست است.

مقدمه

همان‌گونه که در عنوان این رساله، «اگزیستانسیالیسم به روایت دوبوار»، نیز آمده است، قرار است در آن ابتدا به طور کلی به اگزیستانسیالیسم پرداخته شود و سپس اگزیستانسیالیسم سیمون دوبووار بررسی شود. بنابراین، در فصل اول به اگزیستانسیالیسم، و در فصل دوم به اگزیستانسیالیسم دوبووار پرداخته خواهد شد.

معمولاً کی‌یرکگور را نخستین فیلسوف اگزیستانسیالیست، یا پدر اگزیستانسیالیسم، به شمار می‌آورند، اما – با توجه به توضیحاتی که در فصل اول خواهد آمد– می‌توان سقراط، آگوستین قدیس، اپیکتتوس و مارکوس اورلیوس و پاسکال را نیز اگزیستانسیالیست محسوب کرد. فیلسوفان نام‌برده بر اندیشه‌ی فیلسوفان اگزیستانسیالیست تأثیر فراوانی گذاشته‌اند. اما پرداختن به اندیشه‌های این فیلسوفان با تفصیل بیشتر ما را از مقصود اصلی‌مان دور خواهد کرد. بنابراین، با اشاره‌ای گذرا، از آن‌ها رد خواهیم شد.

اما اگزیستانسیالیسم چیست؟ اگزیستانسیالیسم یک مکتب فلسفی مشخص نیست و نمی‌توان به سادگی تعریفی جامع و مانع از آن به دست داد. یکی از علت‌های دشواری تعریف اگزیستانسیالیسم این است که هیچ‌یک از فیلسوفان اگزیستانسیالست جز هایدگر سیستم‌ساز نبوده‌اند و بسیاری از ایشان، ازجمله سارتر و دوبووار، رمان و نمایشنامه را وسیله‌ی بیان عقاید فلسفی خود قرار داده‌اند. با این همه، می‌توان شباهت‌هایی میان فلسفه‌ی فیلسوفان اگزیستانسیالیست پیدا کرد که شاید مهم‌ترینشان پرداختن به مسائل مربوط به انسان و زندگی انسانی باشد.

اگر بخواهیم نگاهی تاریخی به اندیشه‌ی فیلسوفان اگزیستانسیالیست داشته باشیم، باید از کی‌یرکگور آغاز کنیم که – همان‌طور که گفته شد- پدر اگزیستانسیالیسم دانسته می‌شود. کی‌یرکگور از اعتقاد بی‌چون‌وچرا به عقل ، که در تاریخ فلسفه نزد بسیاری از فیلسوفان دیده می‌شود، انتقاد می‌کند. اما حملات کی‌یرکگور هگل را بیش از همه هدف قرار می‌دهد. هگل سیستم‌ساز کم‌نظیری بوده است و حتی اگر با فلسفه‌ی او مخالف باشیم، نمی‌توانیم شکوه سیستم فلسفی او را نادیده بگیریم. انتقاد عمده‌ی کی‌یرکگور به هگل هم همین سیستم‌سازی اوست. آن‌چه در سیستم‌سازی نادیده گرفته می‌شود زندگی و احوال انسان انضمامی است و برای اگزیستانسیالیست‌ها، ازجمله کی‌یرکگور، همین انسان انضمامی است که مهم است و فلسفه باید به کار او بیاید.

یکی از مسائلی که فیلسوفان اگزیستانسیالیست تا حدی اتفاق نظر نسبی در موردش دارند همین است که فلسفه باید مسائل زندگی واقعی انسان را مطرح کند و به آن‌ها پاسخ دهد، نه این که به مسائلی انتزاعی بپردازد که ساخته و پرداخته‌ی ذهن فیلسوفان است. بنابراین، می‌توان گفت فیلسوفان اگزیستانسیالیست از جهتی تجربه‌گرا هستند، اما تفاوت اگزیستانسیالیست‌ها با تجربه‌گرایان در این است که اگزیستانسیالیست‌ها متعلق تجربه و موضوع فلسفه‌ی خود را انسان می‌دانند، نه طبیعت و خدا و ... اما درباره‌ی انسان هم اگزیستانسیالیست‌ها انتقادی به فیلسوفان و فلسفه‌های دیگر وارد می‌کنند و آن این است که انسان تنها مغز نیست. از یونان باستان – که ارسطو انسان را حیوان ناطق می‌دانست- تا هگل، فیلسوفان بر عقل و جنبه‌ی عقلانی انسان تأکید فراوان داشته‌اند و این تأکید در بسیاری از موارد به نادیده گرفتن دیگر جنبه‌های انسان و زندگی‌اش می‌انجامید. اگزیستانسیالیست‌ها می‌کوشند برای شهود، غریزه و عاطفه‌ی انسان نیز جایی بگذارند و انسان را عقل محض به شمار نیاورند.

اگزیستانسیالیست‌ها را، از جهتی، می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: اگزیستانسیالیست‌های مسیحی و اگزیستانسیالیست‌های ملحد. نخستین و مهم‌ترین نماینده‌ی دسته‌ی نخست کی‌یرکگور است و دیگر اگزیستانسیالست‌های مسیحی عبارت‌اند از داستایفسکی، یاسپرس، بوبر و مارسل. برجسته‌ترین فیلسوف ملحد سارتر است و نیچه، کامو، سارتر و دوبووار از دیگر فیلسوفان ملحد به شمار می‌آیند. این تقسیم‌بندی فیلسوفان اگزیستانسیالیست به دو دسته‌ی مسیحی و ملحد برای برخی از اگزیستانسیالیست‌ها، ازجمله سارتر، اهمیت بسیاری داشته است.

اگر بخواهیم موارد مشترک میان فیلسوفان اگزیستانسیالیست، اعم از مسیحی و ملحد، را به طور مشخص‌تر مقوله‌بندی کنیم، می‌توانیم شش مورد را برشماریم:

۱- مسائل «فرد آدمی»: گفتیم که اگزیستانسیالیست‌ها به فرد آدمی، یعنی انسان انضمامی، علاقه‌مندند، نه انسانی انتزاعی که بیشترفلاسفه، از یونان باستان تا کنون، به آن پرداخته‌اند. بنابراین، اگزیستانسیالیست‌ها به دو نفی می‌رسند: الف- نفی نظام های فلسفی پیشین، ب- نفی فرو رفتن فرد در توده‌های انسانی.

۲- درون‌ماندگاری: اگزیستانسیالیست‌ها معتقدند ما با شیء فی‌نفسه سر و کار نداریم، بلکه با پدیدارها سر و کار داریم. هنگامی که من به یک انسان عشق یا نفرت می‌ورزم، متعلق عشق یا نفرت من خودِ آن شخص نیست، بلکه تصویری است که من از او در ذهن دارم. در این زمینه پدیدارشناسان آلمانی، به ویژه برنتانو و هوسرل، بیشترین تأثیر را بر اگزیستانسیالیست‌ها گذاشته‌اند.

۳- گزاف بودن جهان: پرسش معروف هایدگر - چرا هستنده‌ها هستند؟- پرسشی است که اگزیستانسیالیست‌ها برای آن پاسخی درخور نمی‌یابند و از آنجا به گزاف بودن جهان و پوچی

می‌رسند که عامل پدیدآورنده‌ی اضطراب در انسان می‌شود. اضطراب در فلسفه‌ی اگزیستانسیالیست‌ها، به ویژه هایدگر و سارتر، نقشی برجسته دارد.

٤- آزادی و گزینش آدمی: هرچند جمله‌ی مشهور سارتر – انسان محکوم به آزادی است- پارادوکسیکال به نظر می‌رسد، به خوبی دیدگاه اگزیستانسیالیست‌ها، به ویژه خود سارتر، را در این باره نشان می‌دهد. اگزیستانسیالیست‌ها معتقدند ما نمی‌توانیم از زیر بار گزینش یا انتخاب شانه خالی کنیم. البته در این باره میان کی‌یرکگور و سارتر اختلاف نظر وجود دارد. کی‌یرکگور معتقد است ما مجبوریم میان سه نوع مرحله‌ی زندگی - یعنی مرحله‌ی زیباشناختی، مرحله‌ی اخلاقی و مرحله‌ی دینی- دست به انتخاب بزنیم و پس از آن الزامات هر مرحله ما را پیش خواهد برد. اما سارتر معتقد است که ما در هر لحظه از زندگی‌مان ناگزیر از انتخاب کردنیم و هرگز از بار انتخاب‌هایمان، و مسئولیتی که در پی‌اش می‌آید، خلاص نخواهیم شد.

٥- اوضاع و احوال استثنایی: اگزیستانسیالیست‌ها معتقدند در اوضاع و احوال استثنایی است که انسان به خودش نزدیک‌تر می‌شود و از روزمرگی و قالبی که جامعه به او تحمیل کرده است فاصله می‌گیرد. برخی از اگزیستانسیالیست‌ها عشق، جنگ و یأس را مصادیقی از این اوضاع و احوال استثنایی دانسته و بر آن‌ها تأکید کرده‌اند. شاید جنگ را هم بتوان یکی از این مصادیق دانست. سال‌های جنگ جهانی دوم (١٩٣٩-١٩٤٥م) و سال‌های پس از آن سال‌هایی است که اگزیستانسیالیسم در غرب طرفداران بسیاری پیدا کرد.

٦- انتقال پیام خود به دیگران: اگزیستانسیالیست‌ها برای انتقال پیامشان سه راه مختلف را برگزیدند: الف- سیستم‌سازی فلسفی راهی است که هایدگر در پیش گرفت. ب- کی‌یرکگور مقدمه‌هایی را بیان می‌کرد و به خواننده می‌گفت اگر مقدمه‌های مرا بپذیری، ناچار به این نتیجه

می‌رسی. البته کی‌یرکگور مخاطب را مختار می‌دانست که مقدمات او را نپذیرد. پ- استفاده از رمان، نمایشنامه و آثار ادبی روشی است که اگزیستانسیالیست‌های فرانسوی- ازجمله سارتر، دوبووار و کامو- به کار می‌بردند.

فصل دوم این رساله به اگزیستانسیالیسم دوبووار می‌پردازد. این فصل از ٤ بخش تشکیل شده است. بخش اول، که «اندیشه‌های اگزیستانسیالیستی دوبووار» نام دارد، درباره‌ی آزادی و دیگران است که در فلسفه‌ی دوبووار و سارتر اهمیت بسیاری دارند. از سویی، دوبووار، بر خلاف سارتر که کتاب فلسفی *هستی و نیستی* را نوشت، کتابی فلسفی ننوشت و از سوی دیگر، اندیشه‌های فلسفی سارتر در بسیاری از موارد با سارتر یکسان است. بنابراین، در این بخش از آثار سارتر استفاده‌ی فراوان شده است.

بخش دوم «مقایسه‌ای میان اگزیستانسیالیسم دوبووار با سارتر و کامو» نام دارد. می‌توان اندیشه‌های دوبووار را با هر فیلسوف دیگری، ازجمه دیگر اگزیستانسیالیست‌ها، مقایسه کرد. پس چرا از این میان سارتر و کامو برای این مقایسه در نظر گرفته شده‌اند؟ می‌توان سه دلیل موجه برای این انتخاب آورد: ۱- پیش از این گفتیم که اگزیستانسیالیست‌ها به دو دسته‌ی مسیحی و ملحد تقسیم می‌شوند. سارتر و کامو و دوبووار، هر سه، در دسته‌ی دوم جای می‌گیرند. بنابراین، می‌توان انتظار داشت عناصر مشترک فراوانی در اندیشه‌ی این سه تن وجود داشته باشد. ۲- همچنین گفته شد که اگزیستانسیالیست‌ها سه روش برای بیان اندیشه‌ی خود به کار می‌برند که یکی از آن‌ها استفاده از آثار ادبی است. سارتر، کامو و دوبووار در استفاده از این روش نیز به هم شباهت دارند. ۳- دوبوور با سارتر و کامو از نزدیک آشنا بوده است. میان دوبووار و سارتر رابطه‌ای دوستانه، عاشقانه و کاری به مدت چند دهه و تا پایان عمر سارتر وجود داشته است. هرچند رابطه‌ی میان کامو و دوبووار نه به

اندازه‌ی رابطه‌ی سارتر و کامو صمیمانه بوده و نه چندان طولانی بوده است، نفس همین آشنایی می‌تواند دلیلی برای انتخاب کامو برای این مقایسه باشد. همچنین در رمان *همه می‌میرند*، که یکی از دو رمان دوبووار است که در این رساله به آن‌ها پرداخته می‌شود، و اندیشه‌های کامو شباهت‌های نمایانی وجود دارد که نمی‌توان این شباهت‌ها را نادیده گرفت.

بخش سوم فصل دوم این رساله، «اگزیستانسیالیسم دوبووار در آثار ادبی او»، به دو رمان *میهمان* و *همه می‌میرند* می‌پردازد. همان‌طور که گفته شد، دوبووار ادبیات را برای بیان اندیشه‌های فلسفی خود به کار می‌برد. دو رمان *میهمان* و *همه می‌میرند* از رمان‌های مهم دوبووارند که می‌توان اندیشه‌های اگزیستانسیالیستی بسیاری را در آن‌ها یافت. البته انتخاب این دو رمان به این معنی نیست که در دیگر رمان‌های دوبووار عناصر اگزیستانسیالیستی یافت نمی‌شود. اما پرداختن به همه‌ی آثار ادبی دوبووار در یک رساله‌ی فلسفی مقدور نبود و ناچار باید به همین دو رمان بسنده کرد.

بخش چهارم و پایانی فصل دوم، «اگزیستانسیالیسم دوبووار و فمینیسم»، به فمینیسم دوبووار، با تمرکز بر کتاب *جنس دوم*، می‌پردازد. علت پرداختن به فمینیسم دوبووار در رساله‌ای که به اگزیستانسیالیسم دوبووار می‌پردازد این است که فمینیسم او از اگزیستانسیالیسم جدایی‌ناپذیر است، تا جایی که فمینیسم او را فمینیسم اگزیستانسیالیستی نامیده‌اند. همچنین، مباحث فلسفی درباره‌ی آزادی و دیگران- که در آثار سارتر صرفاً به روابط میان انسان‌ها، فارغ از جنسشان، می‌پرداخت- در آثار دوبووار بر روابط میان دو جنس متمرکز می‌شود. بررسی اگزیستانسیالیستی آزادی و دیگران در روابط میان زن و مرد از نوآوری‌های دوبووار شمرده می‌شود و بیش از هر جای دیگری در کتاب *جنس دوم* است که دوبووار از زیر سایه‌ی سارتر خارج می‌شود و اندیشه‌های مستقل خود را بیان می‌کند. از آنجا که پرداختن به فمینیسم دوبووار بدون صحبت کردن درباره‌ی *جنس دوم* خواننده را سردرگم

می‌کند، در این بخش ابتدا با کمی تفصیل به *جنس دوم* پرداخته شده و سپس اندیشه‌های اگزیستانسیالیستی این کتاب بررسی شده است.

البته زندگی حرفه‌ای دوبووار به جنبه‌هایی که در این رساله به آن‌ها پرداخته می‌شود محدود نیست. دوبووار درباره‌ی مسائل سیاسی- اجتماعی زمانه‌ی خود- مانند استقلال الجزایر، دوران جنگ سرد، جنبش دانشجویی ۱۹٦۸ و ...- نیز موضع‌گیری‌هایی داشته است که اهمیت فراوانی دارند. اما شاید پرداختن به این موارد در یک رساله‌ی فلسفی چندان بجا نباشد. بنابراین، در این رساله از این بخش از زندگی دوبووار صرف نظر شده است.

فصل اول

کلیات تحقیق و روش آن

۱-۲ اهداف پژوهش :

اهداف پژوهش حاضر عبارتند از :

۱. درک معنای اگزیستانسیاایست در اندیشه سیمون دوبووار با تکیه برکشف ابعاد مختلف جهان بینی فلسفی ایشان وبه عبارت دیگر فهم نگاه اگزیستانسیالیستش بر زمینه کلیت اندیشه ایشان به مثابه یک نگاه منسجم به اگزیستانس وهستی انسان همچنین مواجهه سیمون دوبووار با مقولات فلسفی آزادی ، موقعیت وواقع بودگی ،استعلا ودیگران رابطه متقابل ، اخلاق ، اخلاق مسئولیت واخلاق ابهام ، فمنیست واگزیستانسیالیسم فمنستی .

۲. مقایسه وبررسی تأثیراتی که اشخاص از قبیل سارتر وکامو بر نظر سیمون دوبووار گذاشته اند ، با تکیه برمفهوم محوری "اگزیستانسیالیست".

۱-۲ پیشینه تحقیق

در خصوص تحلیل مفهوم اگزیستانسیالیست ازسیمون دوبووار ،ترجمه ها وکتبی توسط نویسندگان ومنتقدان آثا سیمون دوبووار به رشته تحریر درآمده است .

همچنین درباره مباحث اگزیستانسیالیسم وپدیدار شناسی نیز بسیاری ازآثار اندیشمندان وبنیان گذاران این دو مکتب فلسفی در حوزه ی زبان فارسی موجود است.